

پلن C؛ راهبرد بایدن برای مذاکرات با ایران

گزارش فارن افرز، پیرامون استراتژی آینده دولت بایدن در قبال ج.ا.ایران

مترجم: محمد ربیعی؛ پژوهشگر مرکز مطالعات آمریکا

از زمانی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۱۸ از توافق خارج شد و به‌ویژه طی دو سال گذشته، ایران به نقاط عطف مهم هسته‌ای دست یافته است. این کشور صدها پوند اورانیوم بسیار غنی شده را ذخیره و هزاران سانتریفیوژ پیشرفته را نصب کرده است. ایران می‌تواند در عرض چند هفته، اورانیوم درجه‌بندی تسلیحاتی اولین بمب خود را تولید کند و در مدت کوتاهی پس از آن، مواد لازم برای بمب‌های بعدی را نیز فراهم کند. در ماه‌های اخیر، ایران تقریباً هیچ بهایی برای این پیشرفت‌های هسته‌ای پرداخت نکرده است. برعکس، موقعیت ژئوپلیتیکی آن بهبود یافته است. این کشور روابط خود را با چین و روسیه تقویت کرده است و با این حال، روابط با برخی از همسایگان خود از جمله رقیب منطقه‌ای خود عربستان سعودی را عادی کرده است. اگر دولت بایدن از طرح A - احیای برجام - صرف نظر کرده است، از چرخش به طرح B - فشارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی بر تهران - که توسط بسیاری از تحلیلگران و همچنین مقامات اسرائیلی پیشنهاد شده است نیز خودداری کرده است و در عوض، طرح C را انتخاب کرده است.

محدودیت‌های طرح C

استقبال دولت بایدن از طرح C نشان‌دهنده تمایل آن، به دوری از ایجاد بحرانی است که توجه را از اولویت‌های دیگر منحرف کند. همچنین بیانگر این واقعیت است که گزینه ارجح - توافقی که پیشرفت‌های هسته‌ای ایران را معکوس می‌کند و محدودیت‌های شدید و اقدامات شفاف‌سازی را بر برنامه‌اش تحمیل می‌کند - برای آینده، غیرقابل‌پیش‌بینی و هزینه‌های زیادی را در برداشته باشد؛ به عبارت دیگر، طرح C تصدیق این است که اگرچه وضعیت موجود خوب نیست اما گزینه‌های جایگزین می‌توانند به مراتب بدتر باشند حتی قبل از شروع جنگ در اروپا، دولت بایدن قصد داشت توجه را از خاورمیانه و رقابت با چین و روسیه منحرف کند.

مقامات آمریکایی استدلال کردند که یک رویارویی بزرگ با ایران، سبب جذب پهنای باند و منحرف کردن منابع از مسائل مهم - ترمی - شود و از طرفی در خاورمیانه، دولت اهداف دیگری دارد که ممکن است شانس موفقیت بیشتری داشته باشد؛ مانند میانجیگری برای ایجاد یک توافق در راستای عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی.

در نتیجه، «کاهش تنش»، کلیدواژه سیاست ایالات متحده در قبال ایران بوده است. در عمل، این استراتژی به اجرای سهل‌انگار - گونه‌تحریم‌های نفتی ایالات متحده علیه ایران و پاسخ‌های محدود به حملات نمایندگان ایرانی به نیروهای آمریکایی در سوریه و عراق منجر شده است. ایالات متحده همچنین موافقت کرد که در نشست ماه مارس، شورای حکام

طرح C تلاش برای جلوگیری از بدترین نتایج مناقشه هسته‌ای با ایران و همچنین حفظ امکان حل و فصل آن در آینده است. شواهد نشان می‌دهد که واشنگتن به دنبال جلوگیری از ساخت بمب هسته‌ای توسط ایران و دوری از تشدید تنش‌های خطرناکی است که می‌تواند با افزایش فشار همراه باشد و به راه حل دیپلماتیک ضربه بزند تا از این راه بتواند شرایط را برای یک توافق جدید فراهم نماید و جایگزینی برجام در طول زمان، مساعدتر شود.

این سیاست حتی اگر موفقیت‌آمیز هم باشد، هزینه‌هایی را به همراه خواهد داشت. این سیاست به ایران اجازه می‌دهد تا برنامه هسته‌ای خود را به طور پیوسته توسعه دهد و همچنین انزوای اقتصادی و سیاسی خود را رها کند. این استراتژی به جای ایجاد زمینه برای توافقی که برنامه هسته‌ای تهران را معکوس می‌کند، خطر تثبیت وضعیت ایران به عنوان یک کشور آستانه هسته‌ای را به همراه دارد؛ در نتیجه، ایالات متحده و سایر کشورهای دارای منافع، باید تلاش‌های خود را برای جلوگیری از برداشتن گام‌های کلیدی ایران در راه دستیابی به سلاح هسته‌ای و پیچیده‌تر کردن تلاش‌های تهران برای ایجاد خطوط حیاتی جدید اقتصادی و عادی‌سازی وضعیت هسته‌ای‌اش بیشتر کنند. این رویکرد، بهترین شانس را برای جلوگیری از بدترین سناریوهای احتمالی یک ایران مجهز به سلاح هسته‌ای یا جنگ در خاورمیانه فراهم می‌کند و همچنین پتانسیل نوعی توافق دیپلماتیک را نیز حفظ می‌کند.

شامل محدودیت‌های کمتری بر فعالیت هسته‌ای ایران نسبت به برجام اولیه خواهد بود.

اما در طرح C این امید وجود دارد که چشم‌انداز دیپلماسی ممکن است در طول زمان به بلوغ برسد. شرایط داخلی ایران ممکن است به دلیل تحریم‌ها و سوءمدیریت اقتصادی بدتر شود. دولت ایران به مبارزه برای برآوردن نیازهای اساسی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایرانیان ادامه خواهد داد و عملاً تکرار اعتراضات بزرگ را تضمین خواهد کرد. ترکیبی از این عوامل می‌تواند در نهایت، رژیم را متقاعد کند که به دنبال معامله باشد و پایان بالقوه جنگ روسیه در اوکراین می‌تواند مخالفت ایالات متحده در برابر دیپلماسی با ایران را تضعیف کند.

موفقیت فاجعه‌بار

طرح C همچنان ممکن است اشتباه پیش برود. ایران ممکن است شروع به انباشت اورانیوم با درجه تسلیحاتی کند یا به این دلیل که معتقد است ایالات متحده به چنین تحریکی پاسخ نخواهد داد و یا به این دلیل که توسط یک ترور یا حمله مخفی، اسرائیل خشمگین شده است. این به نوبه خود می‌تواند چرخه‌ای را ایجاد کند که منجر به حمله نظامی ایالات متحده یا اسرائیل به سایت‌های هسته‌ای ایران شود اما موفقیت عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، بدون تشدید تنش و دوزنمای دیپلماسی در آینده - چالش‌های خاص خود را به همراه خواهد داشت.

زمان لزوماً به نفع ایالات متحده نخواهد بود؛ درحالی‌که واشنگتن منتظر است، ایران برنامه هسته‌ای خود را پیش می‌برد، روابط خود را با چین و روسیه تقویت

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، از توهین به تهران صرف‌نظر کند؛ پس از اینکه مشخص شد ایران برای مدت کوتاهی، مواد غنی‌شده ۸۴ درصدی تولید کرده است. علاوه بر این، ایران به طور غیرمستقیم به برخی از وجوه مسدود شده خود در عراق دسترسی پیدا کرده است؛ درحالی‌که تهران اجازه افزایش اندک اما ناکافی نظارت بین‌المللی بر برنامه خود را داده است. دولت بایدن ممکن است بر این باور باشد که تنها با ادامه مسیر می‌تواند از بدترین سناریو یعنی سلاح هسته‌ای ایران جلوگیری کند حتی اگر ایران به گسترش ذخایر اورانیوم خود ادامه دهد، واشنگتن امیدوار است که با مجموعه اقداماتی چون رزمایش‌های بزرگ با اسرائیل، تهدیدات اسرائیل برای استفاده از نیروی نظامی علیه ایران، اظهارات مکرر ایالات متحده مبنی بر جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و تحریم ایران توسط اتحادیه اروپا در صورت غنی‌سازی بالای ۹۰٪، تهران را از تولید اورانیوم در سطح تولید بمب هسته‌ای باز می‌دارد.

هزینه‌های سیاسی یک توافق دوباره نیز افزایش یافته است. برجام هرگز در کنگره آمریکا محبوبیت نداشت اما دولت بایدن در ابتدا مایل بود برای احیای این توافق، در کنگره تلاش کند. با این حال، شرایط تغییر کرده است. برای دولت دشوار است که از کنگره بخواهد از توافق هسته‌ای حمایت کند که به طور اجتناب‌ناپذیر تأمین‌کننده نظامی برای مسکو خواهد بود. با در پیش بودن انتخابات ۲۰۲۴ ایالات متحده، دولت بایدن احتمالاً از به راه انداختن جنگ در کنگره بیزار است؛ به ویژه برای توافقی که تقریباً به طور قطع،

بیشتری از سانتریفیوژهای پیشرفته و دستیابی به دانش ارزشمند، ادامه خواهد داد. در مجموع، این گام-ها، محدود کردن برنامه هسته-ای ایران را برای جامعه بین‌المللی دشوارتر می-کند. مواد هسته-ای را می‌توان حذف کرد اما دانش هسته-ای را خیر. در تئوری، تهران با پیشبرد برنامه هسته‌ای خود، تراشه‌های بیشتری برای بازی در مذاکرات آینده خواهد داشت اما رهبران ایران ممکن است تمایلی به مبادله هرگونه پیشرفت به سمت بمب نداشته باشند. از زمانی که ایران برنامه ساخت بمب خود را در سال ۲۰۰۳ متوقف کرد، هدف نهایی هسته‌ای آن، احتمالاً تبدیل شدن به یک کشور هسته‌ای «آستانه» یا «مجازی» بوده است؛ کشوری که در صورت نیاز می‌تواند به سرعت سلاح هسته‌ای بسازد.

می‌کند، از فشار تحریم‌های ضعیف استفاده می‌کند و کمتر از بقیه جهان منزوی می‌شود. در گذشته، ایران مایل به محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای خود بوده است، درحالی‌که معتقد بود خطرات ادامه فعالیت‌های هسته‌ای بسیار زیاد است و از یک مدار دیپلماتیک معتبر خارج شده است اما بعید است که چنین شرایطی به این زودی‌ها تحقق یابد. در واقع، ایران ممکن است بر این باور باشد که پرتوهای هسته‌ای‌اش در نهایت نتیجه داده است. در ماه‌های آتی، ایران با گسترش ذخایر اورانیوم غنی شده، افزایش قابلیت‌های تولید سانتریفیوژ و عایق‌سازی بهتر تأسیسات خود در برابر حملات نظامی، به بهبود برنامه هسته‌ای از قبل پیشرفته‌اش، ادامه خواهد داد. تهران همچنین با استفاده از تعداد



این کشور همچنین در حال بررسی انتقال تسلیحات پیشرفته مانند هواپیماهای جنگنده و فناوری موشکی به ایران است. اینکه روسیه در آینده قابل پیش بینی، از غرب منزوی می ماند، تنها اهرم فشار تهران را با مسکو افزایش می دهد. ایران و روسیه به رقابت در بازارهای جهانی کالا ادامه خواهند داد اما احتمالاً روابط اقتصادی آنها عمیق تر خواهد شد؛ درحالی که ایالات متحده به دنبال سرکوب شبکه های تحریمی روسیه است، مسکو در حال تلاش برای تقویت سایر مسیرهای تجاری و روابط مالی از جمله با ایران است که محدودیت های ایالات متحده را دور می زند. ایران همچنین در حال گسترش روابط با چین است که شاهرگ حیاتی اقتصادی آن است. چین در سال جاری تاکنون حدود یک میلیون بشکه در روز، نفت خام و میعانات گازی از ایران وارد کرده است که حدود ۸۰٪ از کل صادرات را به خود اختصاص داده است. تحریم های ایالات متحده، این تجارت را ممنوع می کند اما واشنگتن آنها را اجرا نکرده است و حجم انرژی در دو سال گذشته به طور قابل توجهی افزایش یافته است. هرچه واشنگتن بیشتر از اقدام مؤثر خودداری کند، این تجارت، مستقرتر و انعطاف پذیرتر خواهد شد.

برای تهران، این مؤلفه که جهان را مجبور می کند تا وضعیت هسته ای ایران را بپذیرد و در نتیجه، فشار بین المللی بردولت خود را کاهش دهد، تنها یک معیار فنی نیست بلکه یک معیار سیاسی است. رهبران ایران با این باور که در مسیر دستیابی به این هدف قرار دارند، ممکن است دلیل کمی برای کاهش برنامه هسته ای خود ببینند؛ به ویژه باتوجه به نگرانی هایشان مبنی بر اینکه لغو تحریم ها از سوی ایالات متحده، قابل اعتماد نیست و به ساکنان کاخ سفید بستگی دارد.

دوستان در جایگاه بالا

تغییر بادهای ژئوپلیتیکی نیز ممکن است مخالفت ایران با توافق را سخت کند. اگرچه چین و روسیه احتمالاً به مخالفت خود با سلاح هسته ای ایران ادامه خواهند داد اما هر دو، به طور فزاینده ای، مداخله ای را برای ایران در مجامع بین المللی انجام می دهند و همکاری آنها با ایران، رژیم تحریمی را تضعیف می کند که در غیر این صورت، ممکن است تهران را متقاعد کند که توافق هسته ای را قطع کند.

روزهای همکاری چین و روسیه با دیگر اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و آلمان برای مهار ایران، همان طور که برای مذاکره بر سر توافق هسته ای ۲۰۱۵ انجام دادند، احتمالاً در حال حاضر به پایان رسیده است. حمله روسیه به اوکراین به نفع ایران نیز بود و مسکو را بیشتر به توان نظامی تهران متکی کرده است. روسیه در ازای صدها هواپیمای بدون سرنشین ایرانی و محموله های کشتی مهمات، حمایت سیاسی، پول نقد و فناوری غربی را که در میدان نبرد اوکراین به تصرف خود درآورده است را به ایران ارائه کرده است.